



اندیشه

بررسی عفاف در دین یهود و مسیحیت

# پیام عفاف و اخلاق در ادیان ابراهیمی

حسین مرکزی مقدم

اشاره:

عفت و تمایل به پوشیدگی، از اموری است که خداوند تبارک و تعالی در نهاد و سرشت انسان به ودیعه نهاده و فطرت او را به این گوهر متعالی زینت بخشیده است. از آنجایی که سلامت فردی و اجتماعی انسان و تعالی و کمال معنوی او وابسته به این حقیقت زیبا و نورانی است، در میان ادیان و مذاهب مختلف و به ویژه در دو دین مسیحیت و یهودیت، تأکید فراوانی بر پوشیدگی و عفاف شده است. این سیر فکری - عملی تا ابتدای دوران مدرن و شروع مدرنیته همچنان ساری و جاری بود، اما متأسفانه با روی کار آمدن تفکر سکولاریزم - تفکری که در آن انسان علقه ای با امور معنوی، دینی و مذهبی ندارد و همه نیازهای خود را از علوم تجربی، عالم ماده و عقل خودنیا تأمین می کند - و با زوال باورها و اندیشه های دینی و تبدیل انسان به موجودی مادی و زمینی و با کنار گذاردن ملاحظات اعتقادی - دینی؛ ناگهان سیلی از بی عفتی و هرزگی تمام دنیای معاصر را فرا گرفت و انسان های بی شماری را در کام هلاکت فرو برد. این نوشتار بر آن است که با بررسی عفت در یهود، مسیحیت و دنیای مدرن، گامی را در شناخت هر چه بهتر این مقوله بردارد.

## عَفْت؛ گوهری انسانی

بنابر گواهی تاریخ و اقرار اسناد تاریخی، مسئله عفاف، پوشیدگی و خویشتن داری؛ در اکثر قریب به اتفاق تمدن ها و آیین های جهان، ارزشی قطعی و هنجاری عادی بوده و با توجه به فراز و نشیب هایی که در مقابل خود با آنها مواجه بوده، در هیچ برهه ای از تاریخ و تمدن انسانی به طور کامل کنار گذاشته نشده و در تمامی دوران به عنوان امری فطری و انسانی مورد قبول و توجه همگان بوده است. از این میان متون مقدس دو آیین یهودیت و مسیحیت، با وجود بهره اندکی که از حقیقت و حیوانی و الهی برده اند، در جای جای تعالیم خود، بر مسئله حجاب و عفاف تأکید کرده و بی عفتی و بی حجابی را امری زشت و ناپسند می دانند.

## عَفْت در آیین یهود

در کتاب «عهد عتیق» که کتاب مقدس یهود است و یهودیان آن را کتاب آسمانی و الهی خود می دانند و در واقع مبنای شریعت دین یهود بر آن استوار است، در آیات و فقره های فراوان، سخن از حجاب، عفاف و دوری از خودنمایی و هرزگی به میان آمده است که در این جا به طور کوتاه به چند مورد از آنها اشاره می شود.

### روبند، روسری و چادر در تورات

۱- در کتاب «اشعیاء نبی» که از کتاب های عهد عتیق و مورد قبول یهودیان است در قسمتی که سقوط بابل را مطرح می کند، «خلداوند می گوید: ای بابل! از تخت خود به زیر

بیا و بر خاک بنشین، زیرا دوران عظمت تو به سر آمده است. تو زمانی مانند یک شاهزاده باکره، لطیف و نازنین بودی، اما اینک برده ای بیش نیستی، دستاس را بگیر و گندم را آرد کن، روبندت را بردار، دامنت را بالا بزن تا از نهر عبور کنی [احتمالاً اشاره ای است به تبعید شدن بابلی ها] تو عریان و رسوا خواهی شد. من از تو انتقام خواهم گرفت و به تو رحم نخواهم کرد». (کتاب اشعیاء نبی، ۴۷: ۱-۳)

در این عبارت از کتاب مقدس می بینیم که اهالی بابل را به شاهزاده ای زیبا، با کرامت، عقیف و باکره تشبیه می کند، ولی بعد از آن که دوران باشکوهشان به پایان می رسد، آنها را به برده ای تشبیه می کند که باید به کار و خدمت (دستاس به دست گرفتن و آرد کردن گندم) بپردازد و دیگر از هیچ عزت و احترامی برخوردار نیست و بعد از این سقوط و نزول است که می گوید: «روبندت را بردار»؛ یعنی چون تو دیگر از طبقات پایین و نازل اجتماع محسوب می شوی و دارای احترام نیستی، دیگر لازم نیست خود را بپوشانی، چون پوشیدگی و حجاب برای کسی است که در اجتماع دارای شخصیت و احترام است.

۲- در کتاب «غزل های سلیمان» یا «غزل غزل های سلیمان» که گمان آنها بر این است که این کتاب را سلیمان نبی نوشته است و در آن اشعار عاشقانه ای به شکل سرود از زبان عاشق و معشوق در وصف یکدیگر سروده شده است، می آورد:

«تو چه زیبایی، ای محبوب من! چشمانت از پشت روبند به زیبایی و لطافت کبوتران است. گیسوان تو مانند گله بزهاست که از

کوه جلعاد سرازیر می شوند... لبانت سرخ و دهانت زیباست. گونه هایت از پشت روبند همانند دو نیمه انار است». (غزل غزل های سلیمان، ۴: ۱-۳)

۳- در اوایل تورات، در «سفر پیدایش» و در مورد ماجرای «یهودا» و عروسش «تامار» می نویسد:

«به تamar خبر دادند که پدر شوهرش برای چیدن پشم گوسفندان به طرف «تمنه» حرکت کرده است. تamar لباس بیوگی خود را از تن درآورد و برای این که شناخته نشود، چادری بر سر انداخت، دم دروازه «عینام» سر راه تمنه نشست...». (سفر پیدایش، ۳۸: ۱۳-۱۴)

۴- کتاب مقدس یهود در جایی دیگر رویند، روسری و چادر را جزء زینت های زن می داند و تلویحاً آنها را نوعی نعمت برای او به شمار می آورد و یکی از عذاب های الهی را از دست دادن زیورآلات و اشیاء زینتی از جمله رویند، روسری و چادر می شمارد و می گوید:

«خلداوند همه زینت آلاتشان را از ایشان خواهد گرفت؛ گوشواره ها، انگوها، روبنده ها... روسری ها و چادرها». (کتاب اشعیاء نبی، ۳: ۱۸-۱۹ و ۲۱)

۵- در عهد عتیق آمده است: روزی ابراهیم به ناظر خانه خود که ربیس نوکرانش بود، گفت: «دستت را زیر ران من بگذار و به خداوند خدای آسمان و زمین قسم بخور که نگذاری پسرم با یکی از دختران کنعانی این جاز دوواج کند. به زادگاهم نزد خویشاوندانم برو و در آن جا برای اسحاق، همسری انتخاب کن». (سفر پیدایش، ۲۴: ۲-۴) او نیز قسم خورد و به سمت شمال بین النهرین رهسپار شد و

وقتی به مقصد رسید، شترها را در خارج از شهر در کنار چاه آبی خوابانید. نزدیک غروب که زنان برای کشیدن آب به سر چاه می آمدند، او چنین دعا کرد: ای خداوند! خدای سرور من ابراهیم! التماس می کنم نسبت به سرورم لطف فرموده، مرا یاری دهی تا خواسته او را برآورم. اینک من در کنار این چاه ایستاده ام و دختران شهر برای بردن آب می آیند. من به یکی از آنان خواهم گفتم: «سوی خود را پایین بیاور تا آب بنوشم». اگر آن دختر بگوید: «بنوش و من شترانت را سیراب خواهم کرد»، آنگاه خواهم دانست که او همان دختری است که تو برای اسحاق در نظر گرفته ای». (سفر پیدایش، ۲۴: ۱۱-۱۴) و بعد دختری به نام «ریکا» را دید که با سبویی سر رسید و همان طور که از خدا خواسته بود، آن دختر انجام داد...

ناظر برای اسحاق از او خواستگاری کرد و فردای آن روز به همراه ریکا و دایه اش به سوی «بئر لحي رئی» حرکت کردند... «پس ریکا و کنیزانش بر شتران سوار شده، همراه خادم ابراهیم رفتند. در این هنگام اسحاق که در سرزمین «نگب» سکونت داشت، به «بئر لحي رئی» بازگشته بود. یک روز عصر هنگامی که در صحرا قدم می زد و غرق اندیشه بود، سر خود را بلند کرده، دید که اینک شتران می آیند. ریکا با دیدن اسحاق

به شتاب از شتر پیاده شد و از خادم پرسید: آن مردی که از صحرا به استقبال ما می آید کیست؟

وی پاسخ داد: اسحاق پسر سرور من است. با شنیدن این سخن، ریکا با رو بند خود صورتش را پوشانید... اسحاق، ریکا را به داخل خیمه مادر خود آورد و او را به زنی گرفت». (سفر پیدایش، ۲۴: ۶۱-۶۷)

#### نپوشیدن لباس جنس مخالف

عفت در آیین یهود تا به آن جایی پیش رفته است که در این مسلک از تشبیه زن به مرد و مرد به زن به شدت نهی شده و آمده است:

«زن، نباید لباس مردانه بپوشد و مرد، نباید لباس زنانه به تن کند. این کار در نظر خداوند، خدایان نفرت انگیز است». (سفر تثبیه، ۲۲: ۵)

#### عذاب زنان عشوهِ گر و شهوت ران

در کتاب «اشعیاء نبی» با نگاهی ملامت بار، به بی عفتی و عشوهِ گری زنان می نگرد و آنان را مستحق عقوبت و عذاب الهی می شمارد و می گوید:

«خداوند زنان مغرور اورشلیم را نیز محاکمه خواهد کرد. آنان با عشوهِ راه می روند و النگوهای خود را به صدا در می آورند و با چشمان شهوت انگیز در میان جماعت پرسه می زنند. خداوند بر سر این زنان بالای «گری» خواهد فرستاد تا بی مو شوند. آنان را در نظر همه عریان و رسوا خواهد کرد. خداوند تمام زینت آلاتشان را از ایشان خواهد گرفت؛ گوشواره ها، النگوها، رو بندها، کلاه ها، زینت پاها، دعاهایی که بر کمر و بازو می بندند، عطردان ها، انگشترها و حلقه های زینتی بینی، لباس های نفیس و بلند، شال ها،

کیف ها، آئینه ها، دستمال های زیبای کتان، روسری ها و جادرها. آری، خداوند از همه اینها محرومشان خواهد کرد. به جای بوی خوش عطر، بوی تعفن خواهند داد. به جای کمر بند، طناب به کمر خواهند بست. به جای لباس های بلند و زیبا، لباس عزا خواهند پوشید. تمام موهای زیبایشان خواهد ریخت و زیبایی شان به رسوایی تبدیل خواهد شد. شوهرانشان در میدان جنگ کشته خواهند شد و شهر متروکه شده، در سوگ آنان خواهد نشست و ناله سر خواهد داد». (کتب اشعیاء نبی، ۳: ۱۶-۲۶)

#### دوری از هرزگی و بی عفتی

در عهد عتیق از دو روش برای جلوگیری از بی عفتی و بی بند و باری جنسی و حفظ گوهر وجودی انسان از آلودگی های نفسانی استفاده شده است؛ روش اول: هشدارها و نصیحت های اخلاقی و معنوی. روش دوم: وضع قوانین جزایی سخت و سنگین برای افرادی که مرتکب این اعمال می شوند.

#### نصیحت های اخلاقی دین یهود برای

##### دوری از بی عفتی

کتاب «امثال» که بنا بر عقیده یهودیان توسط «سلیمان نبی» که خردمندترین مرد جهان می باشد نوشته شده، کتابی است که در آن دو نوع انسان معرفی می شود: انسانی که فقط به دنبال ارضای نفس خود است و انسانی که در راه کسب رضای پروردگار قدم برمی دارد. در این کتاب که با نصیحتی حکیمانه به دنبال سوق دادن انسان به سوی فضایل اخلاقی و دوری از رذایل نفسانی است، درباره عفت و بی عفتی آمده است: «ای پسر من! سخنان حکیمانه مرا گوش کن و

- متون مقدس دو آیین یهودیت و مسیحیت، با وجود
- بهره اندکی که از حقیقت وحیانی و الهی برده اند، در
- جای جای تعالیم خود، بر مسئله حجاب و عفاف تأکید
- کرده و بی عفتی و بی حجابی را امری زشت و ناپسند
- می دانند.

به بصیرت من توجه نما. آنگاه خواهی دانست چگونه در دست رفتار کنی و سخنان تو نشان خواهد داد که از دانایی برخوردار هستی. زن بدکاره چرب زبان است و سخنان او مانند عسل شیرین می باشد، ولی عاقبت، جز تلخی و درد چیز دیگری برای تو باقی نمی گذارد. زن بدکاره تو را به سوی جهنم و مرگ می کشاند، زیرا او از راه زندگی منحرف شده و سرگردان است و نمی داند به کجا می رود. ای جوانان! به من گوش دهید و آنچه را که می خواهم به شما بگویم هرگز فراموش نکنید: از چنین زنی دوری کنید. حتی به در خانه اش هم نزدیک نشوید. مبادا در دام و سوسه هایش گرفتار شوید و حیثیت خود را از دست بدهید...

پسر! نسبت به همسر خود وفادار باش و تنها به او عشق بورز؛ چرا باید از زنان هرزه خیابانی صاحب بچه شوی؟! فرزندان تو باید تنها مال خودت باشند. نباید غریبه ها در آنان سهمی داشته باشند. پس با زنت خوش باش... چرا باید به زن بدکاره دل ببندی... خداوند به دقت تو را زیر نظر دارد و هر کاری را که انجام می دهی، می سنجد. گناهان شخص بدکار مانند ریسمان به دورش می پیچد و او را گرفتار می سازد. بلهوس می باشد و باعث مرگش خواهد شد و حماقتش او را به نابودی خواهد کشاند». (کتاب امثال، ۱: ۵-۲۳)

در جای دیگری سلیمان زبان به نصیحت باز می کند و با بیان خاطره ای جوانان را به عفاف و پاکدامنی دعوت می کند:

«پسر! نصایح مرا بشنو و همیشه آنها را به یاد

داشته باش. اوامر مرا به جا آور تا زنده بمانی. تعلیم مرا مانند مردمک چشم خود حفظ کن، آن را آویزه گوش خود بساز و در اعماق دل خود نگه دار. حکمت را خواهر خود بدان و بصیرت را دوست خود. بگذار حکمت تو را از رفتن به دنبال زنان هرزه و گوش دادن به سخنان فریبنده ایشان باز دارد.

یک روز از پنجره خانه ام بیرون را تماشا می کردم. یکی از جوانان احمق و جاهل را دیدم که در تاریکی شب از کوچه ای که در آن، خانه زنی بدکار قرار داشت، می گذشت. آن زن در حالی که لباس و سوسه انگیزی به تن داشت و نقشه های پلیدی در سر می پروراند، به سوی آمد. او زن گستاخ و بی شرمی بود و اغلب در کوچه و بازار پرسه می زد تا در هر گوشه و کناری مردان را بفریبد... (زن) با نگاهی فریبنده گفت: امروز نذر خود را ادا کردم و گوشت قربانی در خانه آماده است. پس برای یافتن تو از خانه بیرون آمدم. در جستجوی تو بودم که تو را دیدم... به این ترتیب با سخنان فریبنده و سوسه انگیزش آن جوان را اغوا کرد؛ به طوری که او مثل گاو که به کشتارگاه می رود، چون گوزن به دام افتاده ای که در انتظار تیری باشد که قلبش را بشکافد، به دنبال آن فاحشه رفت...

ای جوانان به من گوش دهید و به سخنانم توجه کنید؛ نگذارید چنین زنی دل شما را برآید، از او دور شوید، مبادا شما را به گمراهی بکشاند. او بسیاری را خانه خراب کرده است و مردان زیادی قربانی هوسرانی های او شده اند. خانه او راهی است به سوی مرگ و

هلاکت». (کتاب امثال، ۷: ۱-۲۷)

### جزای انسان های هوس ران

در این بخش به صورتی بسیار کوتاه به تعدادی از قوانین دین یهود که در آن ها جزای بی عفتی بیان شده است، اشاره می شود:

۱- «اگر مردی در حال ارتکاب زنا با زن شوهرداری دیده شود، هم آن مرد و هم آن زن باید کشته شوند. به این ترتیب شرارت از اسرائیل پاک خواهد شد. اگر دختری که نامزد شده است، در داخل دیوارهای شهر توسط مردی اغوا گردد، باید هم دختر و هم مرد را از دروازه شهر بیرون برده، سنگسار کنند تا بمیرند؛ دختر را به خاطر این که فریاد زده و کمک نخواسته است و مرد را به جهت این که نامزد مرد دیگری را بی حرمتی کرده است. چنین شرارتی باید از میان شما پاک شود». (سفر تثنیه، ۲۲: ۲۲-۲۴)

۲- «اگر فردی با همسر شخص دیگری زنا کند، مرد و زن هر دو باید کشته شوند... اگر دو مرد با هم نزدیکی کنند، عمل قبیحی انجام داده اند و باید کشته شوند و خونشان به گردن خودشان است. اگر مردی با زنی و با مادر آن زن نزدیکی کند، گناه بزرگی کرده است و هر سه باید زنده زنده سوزانده شوند تا این لکه ننگ از دامن شما پاک شود. اگر مردی با حیوانی نزدیکی کند، آن مرد و حیوان باید کشته شوند. اگر زنی با حیوانی نزدیکی کند، آن زن و حیوان باید کشته شوند و خونشان به گردن خودشان می باشد». (سفر لاویان، ۲۰: ۱۰ و ۱۳-۱۶)

۳- «کاهن نباید با یک فاحشه که خود را

- در کتاب «عهد عتیق» که کتاب مقدس یهود است و یهودیان آن را کتاب آسمانی
- و الهی خود می دانند و در واقع مبنای شریعت دین یهود بر آن استوار است، در
- آیات و فقره های فراوان، سخن از حجاب، عفاف و دوری از خودنمایی و هرزگی
- به میان آمده است.



- بعد از رنسانسی که در چند قرن گذشته رخ داد، بشر
- نادان نه تنها مسیحیت سنتی، بلکه تمام حقیقت دین و
- عالم ماوراء را کنار زد و بلکه با عقبگردی نابگردانه به
- دوره ای که آن را «جاهلیت معاصر و مدرن» می نامیم
- رسیده و به کلی منکر تمام حقایق ماورایی شد.

شدت مورد آزار و شکنجه بودند، خطاب به زنان می نویسد:

«برای زیبایی به آرایش ظاهری نظیر جواهرات و لباس های زیبا و آرایش گیسوان توسل نجوید؛ بلکه بگذارید باطن و سیرت شما زیبا باشد. باطن خود را با زیبایی پایدار؛ یعنی با روحیه آرام و ملایم زینت دهید که مورد پسند خداست. این گونه خصایل، در گذشته در زنان مقدس دیده می شد. ایشان به خدا ایمان داشتند و مطیع شوهران خود بودند.» (نامه اول پطرس، ۳: ۳-۵)

#### وقار و پاکدامنی

پولس طرسوسی، از جمله افرادی بود که طبق بیان عهد جدید، در تهدید و کشتار و شکنجه پیروان و مؤمنین به مسیح کوتاهی نمی کرد؛ وارد خانه های مردم می شد و مردان و زنان را به زور بیرون می آورد و به زندان می انداخت. و در نگاه برخی مسیحیان، تاریخ کمتر کسی را سراغ دارد که مانند او تا این حد به مذهب خود پایبند باشد و از هیچ کوششی جهت فرو نشانیدن عطش مذهبی اش کوتاهی نکند؛ به طوری که حتی اذیت و آزار پیروان عیسی را خدمتی به خدا و دین خود می دانست، ولی او به خاطر عنایت و معجزه عیسی از راه انحرافی خودبازگشت؛ جزء مروجین و مبلغان مسیحیت شد و بدون هیچ واژه ای به

آمده، مورد قبول مسیحیان نیز می باشد. نکته دیگر این است که رهبانیت و انزواطلبی موجود در دین مسیح و ترغیب و تشویقی که این آیین نسبت به دوری از ازدواج دارد، باعث شده است که برای رسیدن به این هدف دستورات سخت تری را برای پیروان خود وضع کنند تا آن که شخص، به دور از هرگونه تحریک جنسی و در محیطی کاملاً آرام به رهبانیت و عبادت خود بپردازد. در این جا به چند مورد از دستورات مسیحیت که در عهد جدید آمده است، اشاره می شود:

#### دوری از نگاه حرام

در انجیل «متی» که از همه انجیل ها مفصل تر است و زندگی عیسی را با جزئیات بیشتری بیان کرده و اعتقاد سنتی مسیحی بر این است که این انجیل از دیگر انجیل قدیمی تر است و به دست «متی» که از حواریون عیسی بوده، نوشته شده است، در مورد عفت نگاه و چشم پوشی از نامحرم می نویسد: «گفته شده است که زنا من اولی من می گویم که: اگر حتی با نظر شهوت آلود به زنی نگاه کنی، همان لحظه در دل خود با او زنا کرده ای. پس اگر چشمی که برایت این قدر عزیز است، باعث می شود که گناه کنی، آن را از حدقه درآور و به دور افکن. بهتر است بدنت ناقص باشد تا این که تمام وجودت به جهنم بیافتد.» (متی، ۲۷: ۵-۲۹)

#### دوری از آرایش ظاهری

پطرس رسول، بزرگترین حواری حضرت عیسی، در بخشی از نامه ای که به مسیحیان آسیای صغیر (ترکیه امروز) که در آن زمان به

بی عصمت کرده و یا با زنی که طلاق گرفته ازدواج کند؛ چون او مرد مقدسی است... اگر دختر کاهنی فاحشه شود، به تقدس پدرش لطمه می زند و باید زنده زنده سوزانده شود.» (سفر لویان، ۲۱: ۷-۹)

۴- در ده فرمان خداوند به موسی آمده است: «زنانکن، دزدی نکن، دروغ نگو، چشم طمع به مال و ناموس مردم نداشته باش.» (سفر خروج، ۲۰: ۱۴-۱۷)

#### عفت در آیین مسیح

قبل از ورود به مطلب مورد نظر باید به نکاتی توجه داشت:

نکته نخست؛ کتاب مقدس مسیحیان از دو بخش تشکیل شده است که شامل عهد قدیم (تورات، کتب انبیا، مکتوبات) و عهد جدید (انجیل اربعه، کتاب اعمال رسولان، نامه ها، کتاب مکاشفات یوحنا) می باشد. و اعتبار عهد عتیق در نزد مسیحیان به این دلیل است که در اوایل عهد جدید آمده است:

«گمان مبرید که آمده ام تا تورات موسی و نوشته های سایر انبیا را منسوخ کنم.

من آمده ام تا آن ها را تکمیل نمایم و به انجام برسانم. به راستی به شما می گویم که از میان احکام تورات هر آنچه که باید عملی شود، یقیناً همه یک به یک عملی خواهد شد. پس اگر کسی از کوچک ترین حکم آن سرپیچی کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند، او در ملکوت آسمان از همه کوچک تر خواهد بود...» (انجیل متی، ۵: ۱۷-۱۹) پس می فهمیم آن چه در مورد عفت، در آیین یهود

- شهید مطهری:
- انسان امروز با همه پیشرفت های معجزه آسا در ناحیه علم و فن، از لحاظ مردمی و انسانیت گامی پیش نرفته، بلکه به سیاه ترین دوران سیاه خویش بازگشته است، با یک تفاوت و آن این که از برکت قدرت علمی و فلسفی و ادبی خویش، برخلاف گذشته، تمام جنایت ها را در زیر پرده ای از تظاهر به انسانیت و اخلاق، نوع پرستی، آزادی خواهی و صلح دوستی انجام می دهد.

انسان صورت گرفته، در هیچ دوره ای مانند دوره حاضر و عصر مدرن؛ به نام بشر دوستی، حقوق بشر و احیای حقوق انسانی، ضد بشر و حقوق انسانی او گام برداشته نشده است؛ به طوری که انسان امروز تبدیل به حیوانی هوس باز و تابع خواسته های نفسانی خود شده است، بلکه پاراز حیوانیت فراتر گذاشته و به کارهای زشتی رو می آورد که کثیف ترین و پست ترین حیوانات از آن گریزان هستند

در این باره بزرگ متفکر معاصر اسلامی، شهید مطهری می فرماید:

«انسان امروز با همه پیشرفت های معجز آسا در ناحیه علم و فن، از لحاظ مردمی و انسانیت گامی پیش نرفته، بلکه به سیاه ترین دوران سیاه خویش بازگشته است، با یک تفاوت و آن اینکه از برکت قدرت علمی و فلسفی و ادبی خویش، برخلاف گذشته، تمام جنایت ها را در زیر پرده ای از تظاهر به انسانیت و اخلاق، نوع پرستی، آزادی خواهی و صلح دوستی انجام می دهد.

صراحت و یکرویی جای خود را به دورویی و فاصله میان ظاهر و باطن داده است. در هیچ دوره ای مانند عصر جدید درباره عدالت، آزادی، برادری، انسان دوستی، صلح و صفا، راستی و درستی، امانت و صداقت، احسان و خدمت سخن گفته نشده است و در هیچ عصر، هم مانند این عصر بر ضد این امور عمل نشده است. در نتیجه بشر امروز مصداق سخن خداوند شده است:

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ. وَ

اغلب همراه او بود و او را مانند پسر خود دوست می داشت و باطمینان کامل مسئولیت سنگین کلیسای «افسس» را به او واگذار کرده بود، می نویسد:

«زنان نیز باید در طرز پوشاک و آرایش خود باوقار باشند. زنان مسیحی باید برای نیکوکاری و اخلاق خوب خود مورد توجه قرار گیرند؛ نه برای آرایش مو و یا آراستن خود به زیورآلات و لباس های پر زرق و برق. زنان باید در سکوت و با اطاعت کامل به فراگیری مسایل روحانی بپردازند...» (نامه اول پولس به تیموتائوس، ۹:۲-۱۱)

البته نکته قابل توجهی در اینجا وجود دارد و آن این است که با تمام تأکیدی که در عهد قدیم و عهد جدید بر روی عفاف و دوری از هرزگی شده است، ولی با کمال تأسف کتاب مقدس، انبیا و اولیای الهی را انسان هایی فاسد معرفی می کند به گونه ای که انسان بعد از خواندن این مطالب، انگشت حیرت به دهان می گیرد!! از جمله در مورد یعقوب نبی می نویسد: دختران یعقوب بعد از نوشاندن شراب به پدرشان، با او زنا می کنند. و نیز: یعقوب به جای زن خود با زن دیگری همبستر می شود. و در مورد عمران پدر موسی می گویند: عمران (عمران) با عمه خود ازدواج می کند و موسی به دنیا می آید. و...

### عفت در دنیای مدرن

سیر حرکتی جوامع انسانی از ابتدای بعثت آدم (ع)، سیری پر فراز و نشیب بوده است، ولی بسا تمام سنگ اندازی هایی که در بره های مختلف تاریخ بر سر راه انسانیت

موعظه و ارشاد می پرداخت. در عهد جدید نامه هایی از او خطاب به اشخاص و گروه های مختلف آورده شده است. از این نامه ها می توان به نامه به «تیطوس» نام برد. تیطوس جوانی مؤمن، فداکار و مورد اعتماد پولس بود؛ به طوری که پولس اغلب مسئولیت های سنگین را به عهده او می گذاشت و بعد از آن که رهبر کلیسای «کریت» شد، پولس نامه ای به او می نویسد تا وظیفه یک رهبر خوب مسیحی را برای او شرح دهد و از او بخواهد تا مردم «کریت» را از کارهای فاسد و کثیف دور کند. و در این میان در مورد زنان می نویسد:

«به زنان سالخورده بیاموز که در زندگی و رفتار خود موقر و سنگین باشند، غیبت نکنند، اسیر شراب نشوند و در اعمال نیک نمونه باشند تا بتوانند به زنان جوان تر یاد دهند که چگونه شوهر و فرزندان خود را دوست بدارند، عاقل و پاکدامن باشند و کذب انویبی شایسته و همسری شریف» (نامه پولس به تیطوس، ۲: ۳-۵)

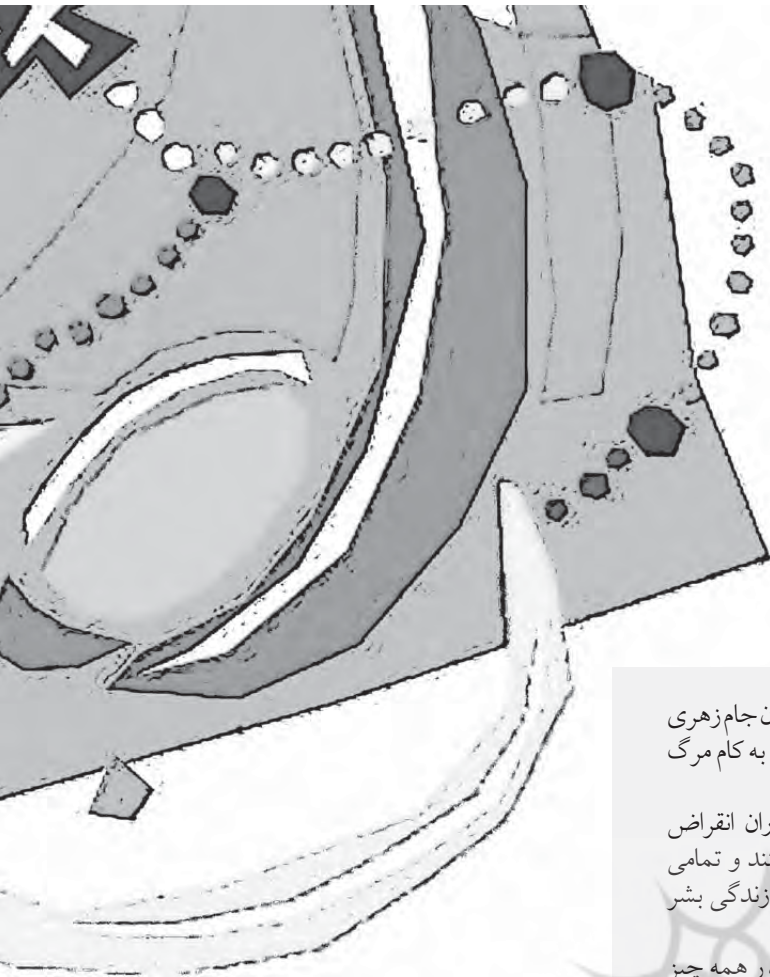
### دوری از هم کیش بدکار

و نیز در جواب سؤالات مؤمنان کلیسای «قرنس» می نویسد:

«اگر کسی از بین خودتان ادعا می کند که برادر مسیحی شماست، اما در عین حال زناکار، طمع کار، بدزبان، بت پرست، مشروب خوار و یا فریب کار است، با او معاشرت نکنید. با چنین کسی حتی بر سر یک سفره هم ننشینید» (نامه اول پولس به قرتیان، ۱۱: ۵)

### لباس مناسب، آرایش نکردن و سکوت

و همچنین در نامه اول خود به «تیموتائوس» که به دست او ایمان آورده و در سفرهای بشارتی



انسانی اش جدا کرده و بانوشاندن جام زهری مهلک، اما به ظاهر شیرین، او را به کام مرگ فرستادند.

در این زمان، امور مقدس دوران انقراض و نابودی خود را سپری می کنند و تمامی ارزش های معنوی و الهی از زندگی بشر محو و شسته می شود.

در این دوره انسان اصل و محور همه چیز می باشد و خواسته های او بر خواسته های هرکس دیگری ترجیح داده می شود و سرشت انسانی و علایق طبیعی او موضوعی است که باید بیش از هر چیز دیگر به آن پرداخته شود. در این زمان است که نفس حیوانی بشر، خدای او شده و شهوات او به مقام الوهیت تام و کامل می رسند.

انسان مدرن، انسانی است که در گرداب هواپرستی و خداانکاری به صورتی جنون آمیز دست و پا می زند و سعی می کند همه خواسته ها و آرمان های وجودی و عطش درونی خود را با سراب دنیا سیراب کند. از این رو، در مسیر بهره وری از اشیای مادی و لذت های دنیوی، سر از پا نمی شناسد و ارضای همه خلأهای روحی و درونی خود را در لذت گرایی و آزادی عنان گسیخته و بی حد و حصر خود می بیند.

برای چنین انسانی؛ مفاهیمی چون خدا، قیامت، وحی، پیامبر، بهشت، جهنم، تکلیف، گناه و... الفاظی بی معنای بیش نیستند. به همین جهت مشاهده می کنیم که بی بندوباری، اباحی گری و بی عفتی از سر و روی انسان سرازیر است و دوران مدرن را فرا گرفته است.

اِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (بقره/ ۲۰۴-۲۰۵)

در جهان امروز از یک طرف لاف نوع خواهی و بشردوستی با بانگی هر چه بلندتر گوش ها را می خراشد و از طرف دیگر دامنه ملت پرستی که خود نوعی توحش است، با همه تعصبات و خودخواهی ها و قساوت ها و آتش افروزی های ناشی از آن، روز به روز بالا می گیرد. این یکی از تناقضاتی است که منطبق بشر امروز گرفتار آن است.

آیا سخنی یاوه تر و دعوتی پوچ تر از این می توان یافت که از طرفی مذهب، آن یگانه پشتوانه ارزش های انسانی را پشت سر بگذاریم و از طرف دیگر دم از انسانیت و اخلاق بزنییم و بخواهیم با زور لفاظی و پند و اندرزهای توخالی طبیعت بشر را تغییر دهیم؟ این کاری است از قبیل نشر اسکنااس بدون ضامن و پشتوانه. «سیری در سیره نبوی، صص ۲۵-۲۶»

آری بعد از رنسانسی که در چند قرن گذشته رخ داد، بشر نادان نه تنها مسیحیت سنتی، بلکه تمام حقیقت دین و عالم ماوراء را کنار زد و بلکه با عقب گردی نابخردانه به دوره ای که آن را «جاهلیت معاصر و مدرن» می نامیم رسیده و به کلی منکر تمام حقایق ماورایی شد.

در این دوره با تئوریزه کردن افکار و آرای جاهلی و ایجاد مکتب های الحادی علمی و فکری و اضافه کردن فروع شیطانی دیگری به آن، تمامی حقایق و ارزش های متعالی و الهی را نفی و انسان را از حقیقت